این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

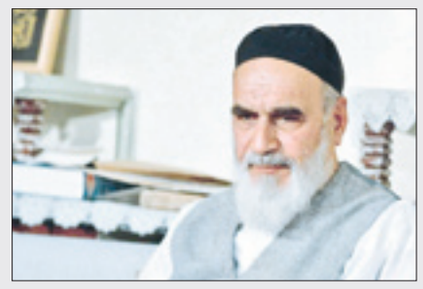

کاغذهای کوچک

حجت‌الاسلام ناصری روایت می‌کند:

امام(ره) خیلی در مصرف کاغذ صرفه‌جویی می‌کردند. یک بار آقای رضوانی که مسئول مالی و دیگر کارهای امام بود، پشت پاکت چیزی نوشته و برای ایشان فرستاد. امام(ره) در کاغذ کوچکی جواب داده و زیر آن نوشته بودند: «شما در این کاغذ کوچک هم می‌توانستید بنویسید.» لذا آقای رضوانی پس از این امر کاغذهای خرده را جمع و جور کرده در کیسه‌ای می‌گذاشت و وقتی می‌خواست برای آقا چیزی بنویسد روی آن کاغذهای کوچک می‌نوشت و آقا زیر همان‌ها جواب می‌نوشتند.

منبع: کانال «امام خمینی(ره)» در پیام رسان ایتا به نقل از «برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)»، جلد۲، صفحه ۱۰۶

صادراتی که بر باد رفت!

مهدی مهرپور در توئیتی نوشت: یادش بخیر همین چند سال پیش صادرات ایران به کشور ترکمنستان چیزی حدود ۸۰۰-۷۰۰ میلیون دلار بود. امروز رقم صادرات کالایی ایران به این کشور به سختی به ۱۳۰ میلیون دلار می‌رسد. وقتی به‌جای توجه به همسایگانت، بی‌محابا به سمت غرب پرواز کنی، طبیعی است که صادرات به همسایه‌ات هم یک ششم شود!

گشودن چتر دیپلماسی به‌سمت همسایگان

محمد ایمانی در توئیتی نوشت: بیش از آن که به مذاکرات برجام امیدوار باشیم، به گشوده شدن چتر دیپلماسی به سمت همسایگان و جهان «فرا غرب» باور داریم. امکان افزایش – دست‌کم- ۵۰میلیارد دلاری مبادلات تجاری در این پهنه وجود دارد که می‌تواند با تدبیر و همرسانی منجر به منافع مشترک شود.

دانایی تحت‌الشعاع سیاسی کاری!

امیرحسین یزدان پناه در توئیتی با اشاره به توئیت خبرگزاری شرق نوشت: بی‌سوادی رسانه یعنی اینکه این روزنامه شرق نمی‌داند سیدناصر حسینی‌پور که الان نماینده مردم عزیز گچساران است، نویسنده کتاب فاخر «پایی که جاماند» است. وقتی چیزی را نمی‌دانی راحت‌ترین مسیر جست‌وجو است؛ البته اگر اهتمامی برای دانستن و نه سیاسی‌بازی وجود داشته باشد! واقعاً متأسفم...

تصویر منتخب

پاییز ۱۴۰۰؛ کوچه‌باغ‌های نجف‌آباد | صفحه توئیتری محمد کلهر

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به امضای قرارداد سه‌جانبه سوآپ گازی

همه چیز در وین نیست

امضای قرارداد سه‌جانبه سوآپ گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از خاک ایران با حضور رؤسای جمهور ایران و آذربایجان، با استقبال و تحسین کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه بود. براساس این قرارداد سالانه ۱/۵ تا ۲میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از مسیر ایران خواهد گذشت و ایران گاز مصرفی مورد نیاز خود را در پنج استان کشور از حق انتقال این گاز برداشت خواهد کرد. کاربران امضای این قرارداد را در آستانه مذاکرات وین نشانه رویکرد جدید ایران در ارتباط با همسایگان دانستند که بیان می‌کند چشم ایران به وین و توافق برجام دوخته نشده است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران مرور شده است.

مجید شاکری:
انصافاً منطق قرارداد سوآپ گاز از ترکمنستان به آذربایجان خیلی دقیق تنظیم شده. موضوع صرفاً تأمین یا عدم تأمین گاز پنج استان شمالی نیست. ایران دریچه‌ای ایجابی برای همکاری با محور لاجورد پیدا کرده. چیزی که تا همین دو ماه قبل خیلی بعید به‌نظر می‌رسید؛ اینکه چگونه می‌توان رقابت و همکاری را کنار هم تعریف کرد یک مرحله مهم است که این قرارداد یک گام بسیار بلند به سوی این درک است. شاید این اولین بار است که ایران وارد یک همکاری کریدوری به معنای جدید آن می‌شود. آینده چه خواهد شد؟ نمی‌دانم، اما این خبر واقعاً امیدوارکننده است. خدا قوت

علی بهادری جهرمی:
دیپلماسی در دولت مردمی در خدمت منافع ملی است. با قرارداد گازی سه‌جانبه بین ایران، ترکمنستان و آذربایجان که نتیجه نگاه متوازن به همه ظرفیت‌ها در سیاست خارجی است، معادل گاز پنج استان ایران تأمین خواهد شد. بانگاه ویژه به همسایگان، میدان روابط خارجی دیگر محدود به چند کشور خاص نیست.

مهدی پناهی:
دل زنگنه وزیر نفت دولت روحانی به توتال فرانسوی و تکمیل پارس جنوبی خوش بود، برای همین یک دعوای حقوقی با ترکمن‌ها راه انداخت تا آنها هم به ایران گاز ندهند اما نه توتال ماند و نه پارس جنوبی تکمیل شد، ایران ماند و نیاز به گاز ترکمنستان و دلخوری این کشور! حتی در صورت بی‌نیازی ایران از گاز ترکمنستان، تهران می‌توانست در چارچوب برنامه جامع تبدیل شدن به هاب گازی منطقه واردات گاز از ترکمنستان را ادامه دهد. کاری که روحانی و زنگنه لجبازانه از آن استنکاف کردند، امروز دولت رئیسی انجام داد. پیوند اقتصادی با همسایگان یعنی همین.

مالک شریعتی:
«نمونه‌ای از دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای و سیاست همسایگی موفق»، بدون برجام و FATF هم می‌توان منافعی را برای مردم تأمین کرد. خیلی فرق است میان دولتی که آب خوردن مردم را هم به اخم کدخدا گره می‌زد با دولتی که گاز پنج استان کشور را بدون نیاز به جابه‌جایی پول، از ترانزیت منطقه‌ای تأمین می‌کند.

علی نادری:
ظاهراً همه چیز در وین نیست. در آستانه زمستان بخشی از کمبود گاز مورد نیاز با یک توافق همسایگی تأمین شد.

محمد پاداش:
وقتی از دست پر ایران در مذاکرات وین حرف می‌زنیم، مثلاً منظورمان امضای قرارداد سه جانبه سوآپ گاز ترکمنستان به آذربایجان از طریق خاک ایران است که همین یعنی بی‌اثر کردن تحریم‌ها! یعنی با بستن دو سه سوآپ دیگر ایران هاب انرژی منطقه خواهد بود و انرژی را تا قلب اروپا و چین خواهد فرستاد!

بی توجهی به ترجمه آثار ضروری درکنار ترجمه‌های نابهنگام

دکتر مهدی گلشنی در وب سایت شخصی خود یادداشتی مفصل در باب مسئله ترجمه و علوم انسانی نوشت. تلخیصی از این یادداشت را در ادامه می‌خوانید: ما همچنان به ترجمه مطالب علمی نیاز داریم و نباید ترجمه را کنار بگذاریم، زیرا در کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای غربی، کارهای علمی خوبی انجام می‌شود که ما باید از آنها خبر داشته باشیم. اصل ترجمه چیز بدی نیست و در همه جا وجود دارد. مشکل قضیه این است که متأسفانه ما در این مورد هم دچار افراط و تفریط شده‌ایم؛ یعنی گاهی اوقات حتی چیزهایی را که مورد نیاز نیست ترجمه می‌کنیم. از سویی دیگر، متأسفانه گاهی آنجاهایی که باید ترجمه انجام شود، انجام نمی‌شود!

برای مثال «آنتونی فلو» فیلسوف معروف غربی به عنوان یکی از ملحدان درجه یک در جهان شناخته می‌شد. این شخص یکمرتبه به خدا بازگشت و الحاد را کنار گذاشت. خبر به این مهمی در ایران ترجمه و منعکس نشد!

سال‌ها بود که کتاب‌های سارتر، نویسنده معروف فرانسوی به فارسی ترجمه می‌شد. چقدر هم غربزدگان ایرانی مرید او بودند. سارتر آخر عمرش به خدا بازگشت و این را در مصاحبه‌ای با یک خبرنگار کمونیست متذکر شد. چنین موضوعی به هیچ وجه در جامعه ما منعکس نشد و کسی آن مصاحبه را ترجمه نکرد. برعکس، وقتی مثلاً یک کتاب الحادی از ریچارد داکینز منتشر می‌شود، بلافاصله ترجمه و چاپ می‌گردد. با مجوز همین وزارت ارشادی که می‌گویند سختگیری می‌کند، چاپ می‌شود! اما در نقطه مقابل، دهها کتاب ضد این کتاب و با استدلال‌های علمی نوشته می‌شود، حتی یکی از آنها هم ترجمه نمی‌شود.

بعضی از فلاسفه غربی حرف‌هایشان نزدیک به بعضی از مواضع فیلسوفان ماست، اما این کتاب‌ها اصلاً ترجمه نمی‌شوند. مثلاً یک روز من داشتم در کتابفروشی آکسفورد در قسمت‌های مختلفش چرخ می‌زدم. یکمرتبه سه کتاب دیدم که ضد نسبی‌گرایی منتشر شده است. متأسفانه حتی یکی از آنها هم به فارسی ترجمه نشده است. برعکس تا دلتان بخواهد راجع به نسبی‌گرایی، پوچ‌گرایی و غیره در ایران کتاب ترجمه و مقاله نوشته شده است.

ترجمه آثار خوب می‌تواند حتی علیه تهاجم فرهنگی غرب هم مورد استفاده قرار گیرد. در جامعه‌ای که افکار وارداتی و غربی منحرف، زیاد وجود دارد، یکی از بهترین راه‌ها و سلاح‌ها ضد آنها این است که از افکار دیگر اندیشمندان غربی که مخالف آن هستند، استفاده شود. چون در سطح روشنفکران نمی‌توانیم برای رد یک فکر یا نظریه، به منابع دینی و روایی خود رجوع کنیم. پس یا باید به قول دانشمندان غربی استناد کنیم یا از استدلال‌های علمی که باز در محیط غرب رایج است، استفاده کنیم. متأسفانه این کار در ایران انجام نمی‌شود و به دلیل ترجمه‌های نابهنگام یا بی‌توجهی به ترجمه آثار ضروری، تصور اساتید و نخبگان ما از غرب گاهی تصور درستی نیست. پیش از این، در محیط‌های علمی غرب، جوضدفلسفی حاکم بود و در محیط‌های علمی آنها اصلاً نمی‌شد حرفی از دین زد، اما امروز این طور نیست و وضعیت به شدت تغییر کرده است، ولی این به داخل ایران منتقل نشده است. برای همین ما تفکرات و نظریه‌های دهها سال پیش غربی‌ها را هنوز هم در حوزه علوم انسانی در ایران تدریس می‌کنیم.

ما نه در زمان پوپر هستیم، نه در زمان آگوست کنت، دکارت، کانت، ویتگنشتاین، گادامر و هایدگر. ما در زمانی زندگی می‌کنیم که خود غربی‌ها دارند افکار این فیلسوفان را بررسی و نقد می‌کنند. چرا ما این نقدها را ترجمه نمی‌کنیم؟ چرا وقتی این افکار و نظریه‌ها به فارسی ترجمه می‌شود، نقد آن هم که توسط خود غربی‌ها انجام شده است به فارسی ترجمه نمی‌شود که دانشجوی ایرانی یا استاد ایرانی بداند این نظریات، وحی منزل نیست و مخالفان صریح و جدی هم دارد. الان غرب وارد فاز جدیدی شده است، اما ما هنوز در همان حرف‌های قدیمی غرب درجا می‌زنیم. بنابراین ترجمه‌های ما غالباً یکطرفه است؛ یعنی چیزهایی که بسیار مورد نیاز است ترجمه نمی‌شود و چیزهایی که اصلاً مورد نیاز نیست ترجمه می‌شود. بنابراین شاید بتوان گفت موضوع ترجمه مثل پل صراط، از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر است. مرز خیلی ظریفی وجود دارد بین افراط و تفریط در ترجمه. این مرز در کشور ما به درستی رعایت نشده است.

موضوع دیگری که ذیل بحث ترجمه مورد سهل‌انگاری واقع می‌شود، ترجمه از زبان فارسی به زبان‌های دیگر به خصوص زبان انگلیسی است. باید برنامه‌ای در کار باشد که آثار و کتب فاخر و ارزنده ما مشخص و به زبان‌های دیگر ترجمه شوند.

بنابراین ترجمه، یک ارزیابی خیلی دقیق می‌خواهد... با اجبار هم نمی‌شود این کار را انجام داد. باید با مترجمان و ناشران جلسه گذاشت و بحث کرد که چه ضرورتی دارد که مثلاً داستان‌های فلان نویسنده را ترجمه می‌کنید و مثلاً چرا کتاب‌های فلان نویسنده دیگر را ترجمه نمی‌کنید؟

آدم‌های این‌چنینیم آرزوست

آزاده مختاری در توئیتی نوشت: دیروز از یه سوپر مارکتی که صاحب اون یه جوان است مقداری وسایل خریدم، موقع حساب کردن متوجه شدم به علامتی که به‌صورت قاف نوشته شده دقت میکنه. پرسیدم اون علامت چیه؟ فرمودن این قیمت قدیم است، خواستم حلال و حرام را رعایت کنم. با گرانی همچین انسان‌هایی هنوز هستند...

تحریم عامل کانونی خشکسالی

حسن حسن خانی: در مقایسه آثار خشکسالی ۱۴۰۰ با ۱۳۸۷ تحریم عامل کانونی است. در ۸۷ واردات نهاده یا گوشت صعوبت خاصی نداشت، ولی در شرایط تحریمی فعلی، محدودیت‌های ارزی و تجاری اجازه واردات نمیده. تولید داخل هم به شیوه سنتی جوابگو نیست.

دروغ ایران اینترنشنال در روز روشن!

حبیب ترکاشوند در توئیتی نوشت: ایران اینترنشنال تیتر زده که «ابراهیم رئیسی: ایران آماده صادرات آب به کشورهای عضو اکوست!» اما واقعیت چه بود؟ «آیت‌الله رئیسی: علاقه‌مند هستیم پروژه‌های انتقال آب برای کشورهای متقاضی از جمله ایران در دستور کار اکو قرار بگیرد» همینقدر کثیف!

جعفر برزگر نیز در این خصوص توئیت کرد: اینکه شبکه سعودی ایران اینترنشنال دروغ به رئیس‌جمهور می‌بندد تا مردم را خشمگین کند ما را باید بیش از گذشته به کاهش شکاف‌های اجتماعی در جامعه متعهدتر کند. دشمن به این شکاف‌ها دل بسته.

امیرحسین ثابتی نیز درباره دروغی دیگر در بی‌بی‌سی فارسی نوشت: بی‌بی‌سی (رسانه سلطنت انگلیس) و ایران اینترنشنال (رسانه سلطنت سعودی) در کمتر از ۲۴ساعت دو دروغ بزرگ منتشر کردند. بی‌بی‌سی سخنان فریدون عباسی درباره شهید فخری‌زاده را کاملاً برعکس منتشر کرد و ایران اینترنشنال سخنان رئیسی درباره همکاری‌های آبی با کشورهای اکو را تحریف کرد. #جریان_تحریف

دو مشکل در شرایط سهمگین زندگی که باید حلشان کنیم

پرستو امیری در کانال تلگرامی خود نوشت: در شرایط سهمگین زندگی دو مشکل دارید که باید حل کنید: مسئله‌ای که پیش آمده و نیازمند حل شدن است و هیجانات آشفته‌کننده همراه آن.

برای حل مسئله کارآمد نیاز دارید ابتدا هیجانات شدید خود را مدیریت کنید: برای شروع، هیجانات خود را بشناسید و تجربه کنید، از آنها نترسید و فرار نکنید. هیچ اشکالی ندارد که در شرایط سخت شما احساس غم، اضطراب، خشم، وحشت‌زدگی و غیره داشته باشید. بعد با افراد قابل اعتماد، ایمن و همدل اطرافتان راجع به هیجاناتتان صحبت کنید. انسان‌ها هیجانات ناخوشایند را به صورت جمعی راحت‌تر تحمل می‌کنند. درد دل کردن، کمک و مراقبت دریافت کردن از مهارت‌های انسان‌های رشدیافته است. در کنار این آدم‌های امن، هیجاناتتان را برون‌ریزی کنید و اجازه دهید آنها به شما حمایت عاطفی، روانی و فکری بدهند. شلوغ‌کاری نکنید؛ چند آدم نزدیک و امن کافی است. از افرادی که خودشان به سرعت آشفته می‌شوند یا ایمن، قابل اعتماد و همدل نیستند در این شرایط دوری کنید.

از نوشتن غافل نشوید، هم در مورد هیجاناتتان، هم در مورد مسئله‌ای که باید حل شود. نوشتن ذهن شما را نظم می‌بخشد و باعث تخلیه هیجانی می‌شود. از روش‌های آرام‌بخشی خاص خودتان استفاده کنید. قدم زدن، دعا خواندن، بازی کردن، شعر خواندن، گوش دادن به موسیقی، نواختن ساز، نقاشی، دوخت و دوز، درد دل و...

سعی نکنید تمام امور را خودتان کنترل و مدیریت کنید. بخشی از کارها را به دیگران بسپارید و به آنها اعتماد کنید. فقط کافی است به قدر کافی درایت داشته باشید که چه کاری را به چه کسی بسپارید. به‌طور موقت وظایف دیگرتان را کاهش دهید و تمرکزتان را بگذارید روی مسئله بزرگ و مهم فعلی. کمال‌گرایی و خودسرزنشی را کنار بگذارید. قرار نیست در هر شرایط تمام وظایفتان را به بهترین نحو انجام دهید.

شاهکار، مولود عشق است

محمدجعفر محمدزاده در کانال تلگرامی خود نوشت: وقتی از زبان فارسی حرف می‌زنیم، گمانِ غلط بعضی بر این است که قصد قوم‌ستیزی و تقابل با زبان‌های قومی و محلی در میان است. نگارنده خود صاحب قوم و مفتخر به داشتن زبان قومی است و نیاز به تأکید دوباره نیست که زبان‌های قومی و محلی جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ مردم ایرانند. اگر سخن از ارزش‌های زبان فارسی است، نه زبان یک قوم، بلکه زبانی فراگویشی، میانجی و رسمی مدنظر است که بیش از ۳هزار سال تاریخ روشن و قابل مطالعه دارد که ضمن آنکه برای بسیاری زبان مادری است، حلقه وصل مردم یک کشور و یک ملت بوده است و از این نظر است که آن را مؤلفه هویت ملی می‌دانیم. برخی بی‌خبر از تاریخ سرزمین خود می‌گویند که گسترش زبان فارسی در اثر جبر حاکمان بوده است. در اینجا به این ادعا پاسخی کوتاه می‌دهم:

نخست؛ در پرشکوه‌ترین دوران‌های حیات زبان و ادبیات فارسی در ۱۴ قرن گذشته، حاکمان ایران بیشتر یا ترک بوده‌اند یا تازی؛ خنده‌دار است که بگوییم در اثر جبر ترکان و تازیان زبان فارسی زبان رسمی و فراگیر مردم ایران شده است. به تعبیر شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران (ص ۵۷۴): «شاهکارها مولود عشق‌ها و ایمان‌هاست؛ زور و زورگویی هرگز قادر نیست شاهکار خلق کند و تنها عشق و ایمان است که شاهکار می‌آفریند.»

آنچه از زبان فارسی بر جای مانده است نه فقط شاهکارهای فرهنگ ایرانی و زبان فارسی که از شاهکارهای فکر و اندیشه بشریت است. کافی است به تاریخ ایران دقیق‌تر نگاه کنیم. خواهیم دید که بستر پیدایش این شاهکارها نه جبر حاکمان که عشق آفریننده آنها به ایران و زبان فارسی بوده است. به راستی شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، رباعیات خیام، بوستان و گلستان سعدی، تاریخ بیهقی، خمسه نظامی، مثنوی معنوی و... را جز عشق چه چیز می‌توانسته است بیافریند؟!

رزومه دانش‌آموخته علوم‌انسانی به چه سمتی می‌رود؟

کانال تلگرامی «یادداشت‌های یک کارمند» نوشت: همه ما رزومه داریم. برخی بلندتر و برخی کوتاه‌تر. تعداد زیادی مقاله، کتاب، تشویق و گواهینامه آموزشی، گواهینامه زبان، گواهینامه تدریس و... به نظر می‌رسد در آینده با تغییرات گسترده‌ای که به‌صورت مستمر در دانش صورت می‌گیرد و با توجه به دانشی شدن مشاغل، حذف بسیاری از مشاغل و تعریف شغل‌های جدید، رزومه‌ها هم ناچار به تغییراتی باشند. در آینده، ردیف کردن تعداد زیادی مقاله و گواهینامه و... نمی‌تواند معرف یک فرد حرفه‌ای باشد. رزومه‌های ایستا که در تاریخ‌های مشخصی مقاله‌ای نوشته شده یا تشویق‌نامه یا گواهینامه‌ای دریافت شده نمی‌تواند هویت حرفه‌ای فرد را بازنماید. (البته به نظرم هنوز نمی‌توان کتاب را به مقاله و مشابه آن فروکاست؛ چراکه کتاب‌ها هنوز دچار استبداد روش و فساد مشابه با مقالات نشده‌اند.)

فرد حرفه‌ای مدام به دنبال یادگیری و تحول در نظام تفکر و دانش خود است. «یادگیری و تحول برای همه عمر» شاید شعار یک فرد حرفه‌ای باشد. فرد حرفه‌ای در سازمان، مدام در مورد مسائل سازمانی و در مورد حرفه خود می‌اندیشد و با بازاندیشی انتقادی، تلاش می‌کند به درک درستی از مسائل سازمانی برسد. این تلاش حرفه‌ای معمولاً در رزومه‌های سنتی نمی‌آید. هر چند رزومه‌های سنتی می‌تواند نشانگر پشتوانه علمی فرد حرفه‌ای در درک مسائل سازمان باشد. به نظرم امروزه یک فرد حرفه‌ای فکر می‌کند و می‌نویسد و نوشته‌هایش را در معرض نقد دیگران قرار می‌دهد تا به درک بهتری از مسائل سازمان برسد. همچنین علاقه‌مند به گفت‌وگو در مورد مسائل سازمان است. قطعاً فضای مجازی هم در فرآیند حرفه‌ای شدن، اهمیت فراوان دارد. فضای مجازی فاصله‌ها را درمی‌نوردد و گفت‌وگو هم‌اندیشی را ممکن می‌کند.

البته بدیهی است از یک فرد متقاضی کار (که هنوز وارد سازمان نشده) نباید انتظار رزومه حرفه‌ای داشت. نویسنده کانال مذکور در پیامی دیگر در این رابطه بخشی از کتاب «از مصاحبه تا استخدام» دکتر مرتضی جوشقانی را به اشتراک گذاشت. در این بخش آمده است: ست گادین در یکی از مصاحبه‌های اخیرش گفته است مهم‌ترین تغییری که در آینده نزدیک در «جذب منابع انسانی» مشاهده می‌کنم، کاهش ارزش رزومه‌ها و افزایش اهمیت «ردپای دیجیتال» است. مجموعه نوشته‌های یک نفر در وبلاگ خود، در شبکه‌های اجتماعی، عکس‌هایی که در اینستاگرام یا در پروفایل سایر شبکه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارد، نوشته‌هایی که توئیت می‌کند و مطالبی که لایک می‌کند یا به اشتراک می‌گذارد یا برای بقیه فوروارد می‌کند می‌تواند چنان پروفایل دقیقی از دانش، نگرش و گاهی بینش شخص در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار دهد که چند برگ رزومه که با هزار دقت و وسواس پس از مشاهده آگهی استخدام تنظیم می‌شود، هرگز آن کارایی و دقت را ندارد.